

بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس آخرت‌نگری

وحید منظری توکلی*، هادی بهرامی احسان**، علیرضا منظری توکلی*** و

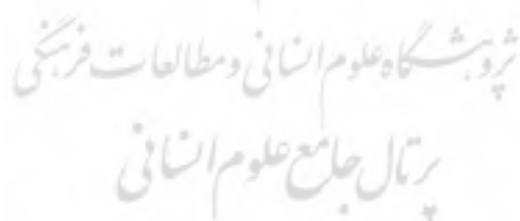
محمود حمزه نژاد****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس آخرت‌نگری در دانشجویان معتکف و غیر معتکف دانشگاه تهران انجام شد. نمونه آماری این پژوهش دو گروه دانشجویان معتکف (۱۵۲ نفر) که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و دانشجویان غیر معتکف (۴۵ نفر) را شامل بود که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش مقیاس آخرت‌نگری ابراهیمی-بهرامی احسان بود که اخیراً معرفی شده است. برای بررسی روایی سازه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی ۴۰ ماده از مقیاس آخرت‌نگری به شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که این مقیاس از ۵ عامل اصلی اشباع شده است. به منظور بررسی اعتبار مقیاس آخرت‌نگری و خرده مقیاس‌های آن از روش همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شد. مقادیر آلفای کرونباخ در گروه معتکف، غیر معتکف و کل نمونه در دامنه ۰/۹۲-۰/۷۱ قرار داشت که نشان‌دهنده اعتبار مطلوب این مقیاس بود.

کلید واژه‌ها

مقیاس آخرت‌نگری؛ اعتبار؛ پایایی



*.نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تهران manzari.v63@gmail.com

** . دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران

*** . استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

**** . کارشناسی ارشد، علوم تربیتی گرایش فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۲۰

مقدمه

میل به بقا از بنیادی‌ترین انگیزه‌های انسان است. در انسان به صورت فطری این انگیزه وجود دارد که می‌خواهد باقی باشد و حیات دائمی داشته باشد (شجاعی، ۱۳۸۵). ترس از مرگ یکی از ترس‌های جدی است که در طی زندگی کم و بیش با انسان همراه است. شاید به همین دلیل است که برخی روان‌شناسان در تلاش هستند تا این ترس را از بین برده و احساس آرامش را جایگزین آن کنند. براساس آمارهای گزارش شده در کشورهای غربی، تقریباً بین ۵۰ تا ۷۵ درصد از افراد سنین بالا، از ترس و نگرانی درباره مرگ رنج می‌برند (گابریم^۱، ۱۹۷۳ به نقل از ابراهیمی، ۱۳۸۹).

روان‌شناسی به صورت سنتی با موضوع مرگ درگیر بوده است. برای مثال روان‌تحلیل‌گری مبتکران فروید، نقش کشاننده‌ای را تصریح می‌کند که اثری ساختاری در سازماندهی روانی انسان به عهده دارد. کشاننده مرگ^۲ به عنوان نیرویی بنیادین در مقابل کشاننده زندگی^۳ ساختار روان‌شناختی را تولید می‌کند. دیدگاه فروید اگرچه در نهایت با رویکردی کاملاً دین‌ستیزانه و با نفی مطلق زندگی پس از مرگ، تمام اندیشه‌های عاقبت‌انگاران را انکار و آن را در چارچوبی مرضی تجزیه و تحلیل می‌کند. به‌رغم آن که پارادایم روان‌تحلیلگری در غرب به سرعت جای خود را به رویکردهای دیگر داد با این حال نفی آخرت و تمام مفاهیم وابسته به آن در تمام نظام‌های روان‌شناختی کم و بیش وجود داشته و دارد. رفتارگراها و در کنار آن حتی دیدگاه‌های انسان‌گرایانه به الاتفاق رویکردهای آخرت‌نگرانه را نفی و تمام روان‌شناسی را در مرزهای زندگی دنیایی ترسیم کرده‌اند. به همین علت در ادبیات روان‌شناسی معاصر پژوهشی با مضمون آخرت‌گرایی مشاهده نمی‌شود. جستجو در پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اساساً با این مفهوم و مفاهیم مشابه آن سند علمی در دسترس نیست. با این حال با توجه به نقش بسیار مهم مذهب در زندگی و سلامت، اغلب پژوهش‌ها از اثرات نگرش‌های مذهبی بر ابعاد مختلف زندگی بحث کرده‌اند و بر موضوع اضطراب مرگ

-
1. Gubrim
 2. Thanatous
 3. Erouse

متمرکز شده‌اند که از لحاظ نظری نقطه مقابل آخرت‌نگری به نظر می‌آید (سبحانی، ۱۳۷۰). مطالعات نشان داده‌اند که داشتن اعتقادات دینی قوی می‌تواند فرایند سازش یافتگی با داغدیدگی را تسهیل کنند (هارت و نلسون، ۲۰۰۹). همچنین مطالعات دیگری نشان‌دهنده این بود که مذهب و عقاید مذهبی می‌تواند ترس و نگرانی از مرگ را کاهش دهد. همچنین بین اعتقاد به زندگی پس از مرگ و کم شدن اضطراب ارتباط وجود دارد (اسپیلکا و جیمز، ۲۰۰۳) از سوی دیگر برخی شواهد نشان می‌دهد که ثبات و هماهنگی باورها و رفتارها، نه دینداری به تنهایی در مقابل اضطراب مرگ مانع می‌شود (وینک و اسکات، ۲۰۰۵، به نقل از قربانی، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر وجود رفتارهای متناسب با تفکرات مذهبی است که می‌تواند به کاهش اضطراب مرگ منجر شود.

بر این اساس عمده پژوهش‌های موجود به ارتباط‌هایی بین دینداری و ترس از مرگ دست یافته‌اند؛ در بررسی اسپیلکا (۱۹۸۵) مشخص شد که از بین ۳۶ مطالعه در این زمینه، در ۲۴ مطالعه رابطه منفی بین ترس از مرگ و باورهای دینی و باور به زندگی پس از مرگ مشاهده شد و در هفت مطالعه رابطه‌ای مشاهده نشد و ۳ مطالعه رابطه مثبت نشان داد.

همچنین برگین (۱۹۹۵) در پژوهش خود مشاهده کرد که در سنین پیری، نگرش مذهبی قوی کاهش اضطراب و افسردگی ناشی از مرگ را باعث می‌شود و اثر این نگرش مذهبی از انجام اعمال مذهبی به مراتب بیشتر است (به نقل از بهرامی احسان و تاشک، ۱۳۸۳).

مکیتاش^۱ و همکاران (۱۹۸۳) دریافتند که افراد دیندار نسبت به برخی از جنبه‌های مرگ مضطرب‌تر بودند (تنبیه در آخرت) ولی نسبت به جنبه‌های دیگر اضطراب کمتری داشتند مثل از بین رفتن. کریستوفر^۲ (۲۰۰۶) دریافت که دین با اضطراب مرگ به‌عنوان پایان زندگی رابطه مثبت داشت، ولی با نگرش‌های منفی نسبت به آن مثل مرگ به‌عنوان شکست رابطه منفی داشت (به نقل از بهرامی احسان و تاشک، ۱۳۸۳).

مارتین و رایتمن^۳ (۱۹۶۵) دریافتند که میزان ترس از مرگ در میان افراد دیندار کم بوده است همچنین مطالعات دیگر رابطه منفی بین خواندن کتاب مقدس با ترس از مرگ و رابطه

1 MC Intosh
2. Chriseopher
3. Martin & Wrightsman

منفی باور به زندگی پس از مرگ با ترس از مرگ دست یافتند.

در یک فراتحلیل مقالات مرتبط با ارتباط دین و ترس از مرگ، حدود دو سوم پژوهش‌ها بین دینداری و ترس از مرگ ارتباط معکوس پیدا کردند. اوسارچاک و تاتز^۱ گزارش دادند در پژوهشی آن‌ها به طور ساختگی شدت ترس از مرگ را در آزمودنی‌ها بالا بردند و مشاهده کردند که با افزایش ترس از مرگ، شدت باور به زندگی پس از مرگ نیز افزایش می‌یافت. وینک و اسکات (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با ترکیب مطالعه کمی و کیفی و مصاحبه با ۳۱۲ فرد بزرگسال بعد از گذشت یکسال از زمان از دست دادن فرد مورد علاقه نتایج را بدین صورت گزارش دادند که ۴۲٪ از آزمودنی‌ها اظهار کردند که باورهای دینی بسیار کمک کننده بود و در تحلیل کیفی ۳ جنبه زیر در نقش دین در داغدیدگی به دست آمد: ۱. باور به اینکه فرد مورد علاقه آلان در آرامش هست؛ ۲. نقش سنتی دین به عنوان منبع نیرو (با توجه با کارکردهای ایمان به خدا و نماز و شرکت در نهادهای دینی و آیین‌های دینی)؛ ۳. باور به زندگی پس از مرگ.

فرد معتقد به زندگی پس از مرگ هم از این جهت که مرگ را پایان زندگی نمی‌داند و هم به خاطر مسأله پاداش و جزا در آن جهان که سختی‌های این جهان را جبران می‌کند، یک احساس مثبت درباره فرد از دنیا رفته پیدا می‌کند و همین سبب می‌شود که سختی داغدیدگی کاهش یابد (ونتیز، ۱۹۹۵).

در حالی که دیدگاه روان‌شناسان غربی اغلب در موضوع مذهب رویکردی ابزاری است و نگرش به جهان پس از مرگ با میزانی از شک و تردید همراه است، اما در اسلام موضعی کاملاً متفاوت مشاهده می‌شود. باورهای آخرت‌نگرانه انسان برگرفته از اصل ایمان به معاد و حیات پس از مرگ است. این مفهوم به این حقیقت نظر دارد که از دیدگاه دین اسلام، هدف نهایی، حیات جاودان آخرت است و زندگانی، تنها مقدمه‌ای برای آن است. می‌دانیم که آخرت (معاد) در شکل‌گیری مذهب جایگاه والایی دارد، در واقع یکی از اصول اساسی جهت‌گیری مذهبی افراد باورهای آخرت‌نگری است.

اثر مهم دین در آرامش روانی، بهداشت و سلامت روانی و همچنین نقش آن در کاهش و

بهبود بیماری‌های روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی باعث شده است که مطالعات روان‌شناسی دین در ابعاد مختلف رشد چشمگیری داشته باشد (کونگو، ۲۰۰۴؛ گراهام سی، ۲۰۰۴؛ ویلیام گرین، ۲۰۰۹؛ قربانی و همکاران، ۲۰۰۰؛ یاسمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). به همین دلیل ساخت مقیاس‌هایی که سطوح نگرش دینی، میزان رفتارهای دینی و ویژگی‌های دینی افراد را مشخص کند در روان‌شناسی اهمیت خاصی دارد. برای اینکه این مقیاس‌ها اعتبار و روایی کارآمدتری داشته باشند باید ابزارهای اندازه‌گیری دقیق و معتبری وجود داشته باشد و این به نوبه خود مستلزم استفاده از مفاهیم و سازه‌های روشن دین و دینداری و استفاده درست از روش‌های مقیاس‌سازی و روان‌سنجی علمی است (آذربایجانی، ۱۳۸۵).

تاکنون مقیاس‌هایی برای سنجش نگرش دینی ساخته شده که بسیاری از آن‌ها در خارج از کشور انجام شده و مختص به قلمرو مسیحیت است. در ایران نیز پژوهش‌هایی در این خصوص انجام شده که با مطالعه دقیق‌تر این پژوهش‌ها مشاهده می‌شود اکثر این مقیاس‌ها از دو جهت نقدپذیر و قابل بررسی هستند:

الف) از این نظر که در تهیه و تدوین این مقیاس‌ها، عمدتاً پژوهشگران از الگوی کلاگ و استارک^۱ (۱۹۶۸) و آلپورت (۱۹۶۷) استفاده کرده‌اند و کمتر به منابع اسلامی مراجعه کرده‌اند (به نقل از خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۷)؛ ب) از نظر ویژگی‌های روش‌شناختی مثل ضعف در گزارش کامل ویژگی‌های روان‌سنجی ابزارها و مقیاس‌های طراحی شده به‌خصوص چگونگی به دست آوردن روایی و پایایی آن‌ها.

مقیاس آخرت‌نگری ابراهیمی و بهرامی احسان (۱۳۹۰) بر اساس آیات و روایات استخراج شده از منابع دین مقدس اسلام ساخته شده است. مراحل طی شده در تهیه این مقیاس به این صورت بود:

۱- متون دینی، آیات و روایات و برخی از توصیف‌های موجود در خصوص آخرت، معاد و نشانه‌های افراد آخرت‌نگر تحت عناوینی چون اهل الآخرة، ابناء الآخرة، راغبین فی الآخرة و ... آمده بود، مطالعه و گردآوری شد.

۲- خزانه‌ای از سؤالاتی تهیه شد که گمان می‌رفت با این آموزه‌ها همگرا هستند.

۳- در جلساتی با حضور اساتید و کارشناسان محترم حوزوی سؤالات موجود ارزیابی و اصلاح شد.

۴- ۱۵ نسخه برای دریافت نظر کارشناسان دینی و روان‌شناس درباره چارچوب کلی آن و تطابق نشانه‌ها با آموزه‌های دینی در نظر گرفته شد که در آن نشانه‌های استخراج شده، پرسش‌های مرتبط با آن نشانه و آیه و روایتی آمده بود که نشانه مدنظر از آن استخراج شده بود و دو پرسش داشت: الف) آیا نشانه مطرح شده را می‌توان از آیه و روایت شریفه استخراج کرد؟ ب) آیا سؤال مطرح شده آن ویژگی را ارزیابی می‌کند؟

با توجه به نظر کارشناسان تعدادی از نشانه‌ها حذف شد و سؤالات به ۱۳۵ آیت رسید. پس از این مرحله مقیاس در میان ۵۲ آزمودنی به صورت آزمایشی اجرا شد، پس از تحلیل داده‌ها سؤال‌های دارای همبستگی کمتر با نمره کل حذف شد (تعداد ۶۵ سؤال). در این مرحله، مقیاس ۷۰ سؤالی برای اجرا آماده شد و با اجرا در میان ۲۵۲ نفر از میان طلاب و دانشجویان و به کمک تحلیل عاملی سؤالاتی حذف شدند که بار عاملی معناداری نداشتند و در نهایت تعداد آیت‌های مقیاس به ۴۴ آیت رسید. این مقیاس از ۵ خرده مقیاس زیر تشکیل یافته بود:

۱- **تکلیف‌گریزی:** این مؤلفه که به طور معکوس آخرت‌نگری را می‌سنجید نشان دهنده موضع فرد در توجه به دنیا، عدم توجه به آخرت و نادیده گرفتن تکالیف مذهبی است.

۲- **آمادگی:** این مؤلفه منعکس‌کننده میزان تلاش فرد برای زندگی پس از مرگ و آمادگی او برای ورود به آخرت است.

۳- **آخرت‌محوری:** این مؤلفه منعکس‌کننده دیدگاه اولویت یافته آخرت‌گرایانه در فرد است و بر اساس آن تمام رویدادها، رفتارها و کوشش‌های فرد با محوریت آخرت سازمان می‌یابد.

۴- **تعالی:** این مؤلفه منعکس‌کننده تلاش‌های فرد برای ارتقاء و کسب مراتب معنوی با محوریت خداوند متعال است.

۵- **لذت‌جویی:** این مؤلفه هم که به طور معکوس آخرت‌نگری را می‌سنجد سؤال‌هایی را شامل می‌شود که در آن جستجوی لذت‌ها و تمرکز بر ارضای دنیایی و فوری اهمیت یافته است (ابراهیمی، ۱۳۸۹).

از آنجا که گرایش به جهان بعد از مرگ (آخرت‌نگری) از مهم‌ترین اعتقادات مذهبی افراد به شمار می‌آید و با توجه به اهمیت نقش خصیصه آخرت‌نگری در حوزه روان‌شناسی دین و نبود مقیاس‌هایی که بتواند میزان سطوح این نگرش‌های دینی را مشخص کند، این پژوهش اعتبار و روایی سازه مقیاس آخرت‌نگری ابراهیمی - بهرامی احسان را بر اساس نمونه‌ای از دانشجویان معتکف و غیرمعتکف دانشگاه تهران بررسی کرد. بنابراین، فرضیه‌های این پژوهش بدین صورت بررسی شدند: الف) مقیاس آخرت‌نگری در دانشجویان دانشگاه تهران اعتبار^۱ مطلوب را دارد؛ ب) مقیاس آخرت‌نگری در دانشجویان دانشگاه تهران روایی^۲ مطلوب را دارد.

روش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران است که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. دو نمونه افراد معتکف و غیرمعتکف از جامعه مذکور انتخاب شد، دلایل استفاده از نمونه معتکف و غیرمعتکف ابتدا برای محاسبه روایی تفکیکی مقیاس بود. همچنین از آنجا که یکی از اهداف اصلی این پژوهش به دست آوردن روایی سازه مقیاس آخرت‌نگری و ساختار عاملی آن بود از نمونه معتکف تعداد بیشتری استفاده شد، چون پیش‌بینی می‌شود که این افراد اعتقاد بیشتری به جهان پس از مرگ دارند یا به عبارت دیگر از آخرت‌نگری بیشتری بهره‌مند هستند. نمونه افراد معتکف ۱۵۲ نفر (۶۰ مرد و ۹۲ زن) با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از میان دانشجویانی انتخاب شد که در مراسم معنوی اعتکاف واقع در مسجد دانشگاه تهران شرکت کرده بودند. از کل تعداد شرکت‌کنندگان تعداد ۱۵۲ نفر حاضر به همکاری شدند. نمونه دانشجویان غیر معتکف از میان جامعه مذکور با استفاده از روش نمونه‌گیری اتفاقی در دسترس به تعداد ۴۵ نفر (۲۳ مرد و ۱۲ زن) انتخاب شدند. این دانشجویان به‌رغم وقت آزادی که در اختیار داشتند، ولی هیچ‌گونه تمایل و علاقه‌ای برای شرکت در مراسم معنوی اعتکاف را نداشتند. محدوده سنی کل نمونه ۱۹-۳۸ سال بود. از نظر سطح تحصیلات ۱۰۷ نفر از کل نمونه (۵۴/۵ درصد) دانشجوی لیسانس، ۷۷ نفر (۳۹ درصد) دانشجوی فوق لیسانس و ۱۳

-
1. Reliability
 2. Validity

نفر (۶/۵ درصد) دانشجوی دکترا بودند.

از نظر وضعیت تأهل ۱۲۵ نفر از کل نمونه (۶۳/۴ درصد) مجرد، ۶۹ نفر (۳۵/۱ درصد) متأهل و ۳ نفر (۱/۵ درصد) دارای شرایط خاص بوده‌اند.

ابزار پژوهش

مقیاس آخرت‌نگری ابراهیمی - بهرامی احسان (۱۳۹۰): این پرسشنامه با استفاده از آیات و روایات استخراج شده از منابع دین مقدس اسلام ساخته شده است که ابتدا شامل ۷۷ سؤال بود. سپس با اجرای تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش پروماکس با چهار عامل برخی از سؤال‌ها حذف شدند. پرسشنامه نهایی ۴۴ سؤال داشت که از ۵ خرده مقیاس تکلیف‌گریزی، آمادگی، آخرت‌محوری، تعالی و لذت‌جویی تشکیل یافته است. این مقیاس را هم به صورت گروهی و هم به صورت انفرادی می‌توان اجرا کرد و یک مقیاس ۵ گزینه‌ای است که از پنج درجه تشکیل شده است و از کاملاً موافقم شروع می‌شود و به پیش می‌رود. برای نمرگذاری این آزمون ابتدا به هر عبارت که نشان از درجه فرد درباره خودش هست یک نمره صفر تا ۴ تعلق می‌گیرد. اعتبار این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای کل آزمون ۰/۸۵ و برای خرده مقیاس‌ها تکلیف‌گریزی ۰/۵۲، آمادگی ۰/۷۲، آخرت‌محوری ۰/۷۹، تعالی ۰/۶۵ و لذت‌جویی ۰/۶۷ به دست آمد. اعتبار آزمون از طریق دو نیمه‌سازی، همبستگی بین نیمه اول با نیمه دوم ۰/۸۶ به دست آمد (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

برای بررسی روایی سازه مقیاس از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. برای سنجش اعتبار مقیاس آخرت‌نگری، روش همسانی درونی به کار برده شد. با توجه به این که پاسخ‌های آزمون به صورت پنج‌گزینه‌ای یا پنج درجه‌ای مشخص شده است، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

به منظور بررسی ساختار عاملی مقیاس آخرت‌نگری، روش تحلیل عاملی اکتشافی به شیوه مؤلفه‌های اصلی به کار برده شد. با توجه به نزدیک بودن مبنای تئوریک عوامل مقیاس آخرت‌نگری از چرخش اولیمن استفاده شد، از آنجا که چرخش پروماکس عوامل فهم‌پذیر و

روشن‌تری را به ما ارائه می‌دهد از این نوع چرخش استفاده شد. قبل از اجرای تحلیل عاملی لازم است دو موضوع بررسی شود:

۱- کفایت نمونه برداری: اندازه‌های KMO^1 منعکس کننده کفایت نمونه‌برداری است. مقدار کوچک KMO بیان‌کننده آن است که همبستگی بین زوج متغیرها را نمی‌توان از طریق سایر متغیرها تبیین کرد و بنابراین، ممکن است کاربرد روش تحلیل عاملی مناسب نباشد. سرنی و کیسر^۲ (۱۹۹۷) معتقد هستند وقتی که مقدار KMO بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد به راحتی می‌توان تحلیل عاملی کرد و هر چه این مقدار بیشتر باشد کفایت نمونه‌برداری بیشتر خواهد بود (به نقل از هومن، ۱۳۸۴).

۲- معناداری اطلاعات موجود در ماتریس همبستگی: برای اطمینان از این که ماتریس همبستگی مبنای تحلیل عاملی در جامعه برابر با صفر نیست، از آزمون کرویت بارتلت^۳ استفاده می‌شود. این آزمون غیر واحد بودن ماتریس همبستگی میان گویه‌ها را بررسی می‌کند (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۷). برای آن که یک مدل عاملی مفید باشد لازم است متغیرها همبسته باشند در غیر این صورت دلیلی برای تبیین مدل عاملی وجود ندارد. در حقیقت معنادار بودن آزمون کرویت بارتلت حداقل شرط لازم برای انجام دادن تحلیل عاملی است.

جدول ۱: KMO و آزمون کرویت بارتلت در کل نمونه

۰/۸۸۲	آزمون KMO (مقیاس کفایت نمونه برداری)	
۷۷۹/۳۵	X^2	آزمون کرویت بارتلت
۹۴۶	درجه آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

1. Keiser-Mayer-Olkin Measure of Sampling
2. Cerney & Kaiser
3. Bartlett Test of Sphericity

جدول ۱ اندازه KMO و آزمون کرویت بارتلت را در کل نمونه مورد بررسی نشان می‌دهد. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود مقدار KMO برابر با ۰/۸۸ است. همچنین مشخصه آزمون کرویت بارتلت برابر با ۷۷۷۹/۳۵ است که با اطمینان زیادی معنادار است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی بر اساس ماتریس همبستگی یک ماتریس غیر واحد است.

برای تعیین این مطلب که مقیاس آخرت‌نگری از چند عامل اصلی اشباع شده است، به دو شاخص عمده توجه شد: (۱) ارزش ویژه (۲) نسبت واریانس تبیین شده توسط هر عامل.

جدول ۲: درصد واریانس تبیین شده به وسیله تحلیل عاملی در کل نمونه

مقادیر ارزش‌های ویژه پس از چرخش		ارزش ویژه		
کل	درصد تراکمی	درصد واریانس	کل	عوامل
۶/۰۶	۳۱/۵۳	۳۱/۵۳	۷/۸۱	عامل ۱
۵/۴۵	۳۹/۶۸	۸/۱۵	۳/۹۵	عامل ۲
۲/۵۴	۴۴/۴۰	۴/۷۲	۱/۶۲	عامل ۳
۶/۲۸	۴۹/۴۷	۵/۰۷	۲/۳۵	عامل ۴
۳/۸۵	۵۷/۲۲	۷/۷۵	۳/۳۸	عامل ۵

مشخصه‌های آماری اولیه که با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی شیوه چرخش پرومکس به دست آمده در جدول ۲ نمایش داده شده است. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود ۴۰ ماده از مقیاس آخرت‌نگری در ۵ عامل با ارزش ویژه بیش از یک جایابی شده‌اند. این ۵ عامل با هم ۵۷/۲۲ درصد کل واریانس آخرت‌نگری را تبیین می‌کنند که مقدار معناداری است.

هر ماده زیرگروه عاملی می‌شود که بیشترین بار عاملی را در آن داشته باشد. البته، ملاک گزینش دارا بودن بار عاملی بالاتر از ۰/۴ است. بدین سان، ماده‌های ۸، ۱۵، ۳۵ و ۴۲ به دلیل داشتن بار عاملی کمتر از ۰/۴۰ از فهرست ماده‌ها حذف شدند.

جدول ۳: میزان بار عاملی سؤالات با عوامل در کل نمونه

شماره سؤالات	سؤالات	بار عاملی سؤالات با هریک از عوامل
		عامل ۱ عامل ۲ عامل ۳ عامل ۴ عامل ۵
۴	وقتی عصبانی می‌شوم نمی‌توانم خودم را کنترل کنم. ۰/۷۱	
۹	کمتر در تشییع جنازه‌ای شرکت کرده‌ام. ۰/۷۲	
۱۱	برایم مهم است که در این دنیا چیزی کم نداشته باشم. ۰/۶۹	
۱۷	به نظرم انجام کارهایی که خدا خواسته، خیلی سخت است. ۰/۶۸	
۱۸	در هنگام نماز احساس خستگی می‌کنم. ۰/۷۱	۰/۵۳
۲۶	معمولاً از وضعیت خود ناراضی‌ام. ۰/۵۶	
۳۱	برایم خیلی مهم است که از غذاهای خوب استفاده کنم. ۰/۵۷	
۴۰	دوست دارم در معرض توجه باشم هر چند با بیان تعریف غیر واقعی از خودم. ۰/۷۱	
۴۱	به اینکه روزی به حساب و کتاب انسان‌ها رسیدگی خواهد شد مطمئنم. ۰/۷۲	
۵	درباره زندگی پس از مرگ زیاد فکر می‌کنم. ۰/۵۹	
۱۳	از اینکه گرفتار مسائل مادی شوم بیزارم. ۰/۶۱	
۱۴	مرتب اعمال خودم را مورد بررسی قرار می‌دهم. ۰/۵۸	
۲۲	هر لحظه برای رفتن به سرای آخرت آماده‌ام. ۰/۶۶	
۲۷	برای من مهم‌ترین امر در انجام کارها رضایت خداست. ۰/۶۴	
۳۶	خداوند را زیاد ستایش (حمد) می‌کنم. ۰/۴۸	
۳۹	جواب بدی را با خوبی می‌دهم. ۰/۶۶	
۳	از سرگذشت گذشتگان عبرت می‌گیرم. ۰/۶۸	
۷	این دنیا صرفاً مقدمه زندگی اخروی است. ۰/۷۸	
۱۲	برای دیدار اولیاء الهی در جهان آخرت لحظه شماری می‌کنم. ۰/۷۱	

شماره سؤالات	سؤالات	بار عاملی سؤالات با هریک از عوامل
		عامل ۱ عامل ۲ عامل ۳ عامل ۴ عامل ۵
۱۶	سعادت اخروی انسان حاصل تلاش او در این دنیاست.	۰/۷۴
۱۹	به نظرم این دنیا بدون آخرت ارزشی ندارد.	۰/۷۲
۲۰	به دیگران آسیبی نمی‌رسانم.	۰/۷۰
۲۵	به زیارت اهل قبور می‌روم.	۰/۵۹
۲۹	بین راحتی دنیا و آخرت، آخرت را انتخاب می‌کنم.	۰/۶۷
۳۰	به نظرم این دنیا محل امتحان است.	۰/۷۰
۳۷	مهم‌ترین وظیفه خود را انجام واجبات الهی می‌دانم.	۰/۴۲ ۰/۵
۳۸	به دیگران کمک می‌کنم.	۰/۶۵
۱	در هنگام سختی‌ها صبورم.	۰/۵۷
۵	حاضرم در راه دین از همه چیز بگذرم.	۰/۶۶
۲۳	برای فهم دین تلاش می‌کنم.	۰/۶۵
۲۴	درباره مخلوقات الهی زیاد فکر می‌کنم.	۰/۶۷
۲۸	برای انجام کارهای خوب پیش قدم می‌شوم.	۰/۶۹ ۰/۵۸
۳۴	از اینکه به یاد خدا باشم احساس خستگی نمی‌کنم.	۰/۶۸
۲	تمام کوشش خود را صرف رسیدن به دارایی بیشتر صرف می‌کنم.	۰/۷۱
۱۰	گوش دادن به موسیقی جزو برنامه‌های من است.	۰/۶۰
۲۱	بعید است وقتی انسان به خاک تبدیل شد دوباره زنده شود.	۰/۵۸
۳۲	وضعیت مالی‌ام باید از همه اطرافیانم بهتر باشد.	۰/۶۹
۳۳	دلخوشی من فکر کردن به آرزوهایم است.	۰/۷۵
۴۳	باید هر چه می‌توانیم از دنیا لذت ببریم.	۰/۷۷ ۰/۶۱
۴۴	سعی می‌کنم همیشه جدیدترین مد لباس را بپوشم.	۰/۶۶

جدول ۳ میزان بار عاملی سؤالات با عوامل را در کل نمونه نشان می‌دهد. در صورتی که ۵ عامل به دست آمده با استفاده از روش پرومکس چرخش داده شوند، نتایج زیر به دست می‌آید:

- ۱- نه سؤال (۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۶، ۳۱، ۴۰ و ۴۱) بیش‌ترین بار عاملی را بر عامل اول دارند.
- ۲- هفت سؤال (۵، ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۲۷، ۳۶ و ۳۹) بیش‌ترین بار عاملی را بر عامل دوم دارند.
- ۳- یازده سؤال (۳، ۷، ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۷ و ۳۸) بیش‌ترین بار عاملی را بر عامل سوم دارند.
- ۴- شش سؤال (۱، ۶، ۲۳، ۲۴، ۲۸ و ۳۴) بیش‌ترین بار عاملی را بر عامل چهارم دارند.
- ۵- هفت سؤال (۲، ۱۰، ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۴۳ و ۴۴) بیش‌ترین بار عاملی را بر عامل پنجم دارند.

جدول ۴: ساختار عاملی به دست آمده در این پژوهش

ساختار عاملی اولیه	
عامل اول (تکلیف‌گریزی)	۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۶، ۳۱، ۴۰ و ۴۱
عامل دوم (آمادگی)	۵، ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۲۷، ۳۶ و ۳۹
عامل سوم (آخرت محوری)	۳، ۷، ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۷ و ۳۸
عامل چهارم (تعالی)	۱، ۶، ۲۳، ۲۴، ۲۸ و ۳۴
عامل پنجم (لذت‌جویی)	۲، ۱۰، ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۴۳ و ۴۴

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در کل نمونه، سؤالات ۳۱، ۲۶، ۱۸، ۱۷، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۶، ۳۱ و ۴۰ در عامل اول جایابی شده‌اند. مقایسه عامل اول در دو ساختار نشان می‌دهد که سؤالات ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۶، ۳۱ و ۴۰ در هر دو ساختار مشترک بوده‌اند. سؤال ۱۵ به علت بار عاملی کمتر از ۰/۴۰ حذف شد. سؤالات ۵، ۱۳، ۲۲، ۲۷، ۳۶ و ۳۹ در عامل دوم جایابی شده‌اند. مقایسه عامل دوم در هر دو ساختار نشان می‌دهد که سؤالات ۵، ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۲۷ و ۳۶ در هر دو ساختار مشترک بوده‌اند. سؤال ۸ به علت بار عاملی کمتر از ۰/۴۰ حذف شد. سؤالات ۳، ۷، ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۷ و ۳۸ در عامل سوم جایابی شده‌اند. مقایسه عامل سوم در هر دو ساختار نشان می‌دهد که سؤالات ۳، ۷، ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۷ و ۳۸ در هر دو ساختار مشترک بوده‌اند.

سؤالات ۱، ۶، ۲۳، ۲۴، ۲۸ و ۳۴ در عامل چهارم جایابی شده‌اند. مقایسه عامل چهارم در هر دو ساختار نشان می‌دهد که سؤالات ۱، ۶، ۲۳، ۲۴، ۲۸ و ۳۴ در هر دو ساختار مشترک بوده‌اند. سؤال ۳۵ به علت بار عاملی کمتر از ۰/۴۰ حذف شد.

سؤالات ۲، ۱۰، ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۴۳ و ۴۴ در عامل پنجم جایابی شده‌اند. مقایسه عامل پنجم در هر دو ساختار نشان می‌دهد که سؤالات ۲، ۱۰، ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۴۳ و ۴۴ در هر دو ساختار مشترک بوده‌اند. سؤال ۴۲ به علت بار عاملی کمتر از ۰/۴۰ حذف شد.

جدول ۵: محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مقیاس آخرت‌نگری و خرده مقیاس‌های آن در گروه معتکف، غیرمعتکف و کل نمونه

ضریب آلفای کرونباخ		مقیاس آخرت‌نگری و خرده مقیاس‌های آن
گروه غیر معتکف	گروه معتکف	
کل نمونه		
۰/۸۵	۰/۷۵	تکلیف‌گریزی
۰/۸۸	۰/۷۱	آمادگی
۰/۷۷	۰/۸۱	آخرت‌محوری
۰/۸۵	۰/۷۸	تعالی
۰/۷۹	۰/۸۲	لذت‌جویی
۰/۸۶	۰/۷۹	آخرت‌نگری (کل)

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، در کل نمونه خرده مقیاس آمادگی بالاترین ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۸) و خرده مقیاس آخرت‌محوری کم‌ترین ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۷) را به خود اختصاص داده است. ضریب آلفای کرونباخ آخرت‌نگری در کل نمونه ۰/۸۶ است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ آخرت‌نگری برای دو گروه معتکف و غیر معتکف به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۷۹ است. در گروه نمونه معتکف خرده مقیاس تعالی بالاترین ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۲) و خرده مقیاس لذت‌جویی کمترین ضریب آلفا (۰/۸۴) را به خود اختصاص داده است. در گروه نمونه غیر معتکف خرده مقیاس آخرت‌محوری بالاترین ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) و خرده مقیاس آمادگی کم‌ترین ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۱) را به خود اختصاص داده است. به‌طور کلی ضریب آلفای کرونباخ مقیاس آخرت‌نگری و خرده مقیاس‌های آن در گروه معتکف در دامنه ۰/۸۶ - ۰/۹۲، در گروه غیر معتکف در دامنه ۰/۷۱ -

۰/۸۲ و در کل نمونه در دامنه ۰/۷۷ - ۰/۸۸ قرار دارد که نشان می‌دهد مقیاس آخرت‌نگری و خرده مقیاس‌های آن در این پژوهش اعتبار مطلوب را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

اگر چه اعتبار و پایایی مقیاس آخرت‌نگری توسط سازندگان آن در پژوهش‌های پیشین بررسی شده است، ولی نتایج حاصل از آن نمی‌تواند برای جمعیت دانشجویی تعمیم‌پذیر باشد. به این دلیل پژوهش حاضر به منظور استاندارد کردن این مقیاس در جامعه دانشجویی و غیرطلاب (که هنجارسازی اولیه مقیاس در میان نمونه‌ای از طلاب حوزه انجام شده بود) و مطابقت دادن ملاک‌های آن با ملاک‌های موجود در جامعه دانشجویی و سنجش اعتبار و پایایی آن بود. بدین منظور مقیاس مذکور در میان ۱۵۲ نفر دانشجوی معتکف (که فقط همین تعداد حاضر به همکاری شدند) و ۴۵ نفر دانشجوی غیرمعتکف در دانشگاه تهران انجام شد و نتایج آن تجزیه و تحلیل آماری شد.

به طور کلی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در این پژوهش ۴ سؤال از ۴۴ سؤال نهایی مقیاس آخرت‌نگری ابراهیمی - بهرامی (۱۳۸۹) حذف شدند. ۴۰ سؤال از این مقیاس در هر دو ساختار مشترک بوده‌اند.

همسو با نتایج به دست آمده در ساختار عاملی اولیه این پژوهش توسط ابراهیمی - بهرامی (۱۳۸۹)، تحلیل عاملی انجام شده در این پژوهش نیز نشان داد که ۴۰ ماده این مقیاس در ۵ عامل جایابی می‌شوند. این یافته‌ها به این نکته اشاره می‌کند که ساختار عاملی مقیاس آخرت‌نگری با تغییرات کمی از روایی سازه مطلوبی بهره‌مند است و اگر در این پژوهش برخی ابعاد مقیاس متفاوت با ساختار اولیه آن بوده است می‌توان چنین گفت که ممکن است این پنج عامل ماهیتاً به هم وابسته هستند. به عنوان مثال این امکان وجود دارد که سؤال ۲۴ (درباره مخلوقات الهی زیاد فکر می‌کنم، که در ساختار اولیه این مقیاس مربوط به بعد آخرت محوری است) فکر کردن درباره مخلوقات الهی علاوه بر انعکاس دیدگاه آخرت‌گرایانه افراد، بیان‌کننده تلاش‌های فرد برای ارتقاء و کسب مراتب معنوی با محوریت خداوند متعال باشد.

دلیل دیگری که می‌تواند باعث این تفاوت اندک شده باشد مربوط به تفاوت گرایش مذهبی نمونه آماده‌سازی این مقیاس با نمونه مورد بررسی این پژوهش است، نمونه‌ای که این

مقیاس ابتدا در میان آن‌ها هنجاریابی شده است، مربوط به طلاب بوده، نسبت به نمونه این پژوهش (دانشجویان غیرمعتکف هم وارد تحلیل شده‌اند) گرایش مذهبی بالاتری دارند.

ضریب آلفای کرونباخ مقیاس آخرت‌نگری و خرده مقیاس‌های آن در گروه معتکف در دامنه ۰/۸۶ - ۰/۹۲، در گروه غیر معتکف در دامنه ۰/۷۱ - ۰/۸۲ و در کل نمونه در دامنه ۰/۷۷ - ۰/۸۸ قرار دارد که نشان می‌دهد مقیاس آخرت‌نگری و خرده مقیاس‌های آن در این پژوهش از اعتبار مطلوب بهره‌مند است و بیان‌کننده این است که پرسشنامه آخرت‌نگری و خرده مقیاس‌های آن از در اندازه‌گیری آخرت‌نگری و مؤلفه‌های آن ثبات مناسبی دارند. هیچ کدام از سؤالات فوق نیاز به حذف یا تغییر نداشته و همگی ملاک‌های خوبی برای سنجش باورهای آخرت‌نگرانه هستند. این شاخص اعتماد با شاخص‌های گزارش شده توسط ابراهیمی - بهرامی (۱۳۸۹) در نمونه‌ای از طلاب همخوان است. علاوه بر این آلفای کرونباخ برای هر کدام از زیرمقیاس‌ها نیز به نسبت بالا بوده است.

باورهای آخرت‌نگری در واقع به اصل معاد اشاره دارد و معاد اصل سوم از اصول دین اسلام محسوب می‌شود. اعتقاد به آخرت در هر آیینی که پیوندی با آسمان دارد، یک عنصر اساسی است و به منزله ستون فقرات آن به شمار می‌آید.

انسان با توجه به مبانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه اسلام می‌تواند با کل هستی، ابدیت و ماوراء‌مادیات پیوند منطقی پیدا کند و برای زندگی خود مفهوم و غایت و به طور خلاصه، معنایی بیابد و از این طریق، از آسیب‌های سخت و شدید روانی مصون شود.

همان‌طور که اشاره شد در حالی که دیدگاه روان‌شناسان غربی اغلب در موضوع مذهب رویکردی ابزاری است، اما در اسلام موضعی کاملاً متفاوت مشاهده می‌شود. باورهای آخرت‌نگرانه انسان برگرفته از اصل ایمان به معاد و حیات پس از مرگ است. این مفهوم به این حقیقت نظر دارد که از دیدگاه دین اسلام، هدف نهایی، حیات جاودان آخرت است و زندگانی، تنها مقدمه‌ای برای آن است. می‌دانیم که آخرت (معاد) در شکل‌گیری مذهب جایگاه والایی دارد، در واقع یکی از اصول اساسی جهت‌گیری مذهبی افراد باورهای آخرت‌نگری است و این پژوهش نیز به دنبال فراهم کردن ابزاری دقیق، پایا و روا برای سنجش این باورها بود.

به طور کلی انسان باورمند به معاد، زندگی را محدود به زندگی دنیوی نمی‌داند. اسلام به

او می‌آموزد که زندگی دنیا به منزله مقدمه‌ای برای حیات اخروی است. باور به یک وجود دائمی پس از مرگ و پایان زندگی مادی، اولاً به ارضای صحیح انگیزه بقا منجر می‌شود و ثانیاً ترس از مرگ را کاهش می‌دهد که هر دو در سلامت روان انسان مؤثر خواهد بود. به طور کلی با توجه به اهمیت نقش خصیصه آخرت‌نگری در حوزه روان‌شناسی دین و نبود مقیاس‌هایی که بتواند میزان سطوح این نگرش‌های دینی را (به ویژه بر اساس متون اسلامی) مشخص کند، این پژوهش با تأیید پایایی و روایی سازه مقیاس آخرت‌نگری این مقیاس را برای استفاده پژوهشگران حوزه روان‌شناسی دین معرفی می‌کند. در پایان پیشنهاد می‌شود پایایی و روایی این مقیاس در پژوهش‌های آتی از طریق سایر روش‌های برآورد اعتبار (بازآزمایی و ...) و روایی (روایی محتوایی، تحلیل عاملی تأییدی، روایی همگرا، روایی واگرا و ...) استفاده شود.



منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵). *مقیاس سنجش دینداری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم*
- ابراهیمی، ابوالفضل (۱۳۸۹). *رابطه آخرت‌نگری با سلامت و ساخت مقیاس اولیه آخرت‌نگری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.*
- ابراهیمی، ابوالفضل و بهرامی احسان، هادی (۱۳۹۰). *تهیه و اعتباریابی مقیاس سنجش آخرت‌نگری؛ یک مطالعه مقدماتی. مجله روان‌شناسی و دین، سال ۵، شماره ۴، ص: ۵۳-۷۰.*
- بهرامی احسان، هادی و تاشک، آناهیتا (۱۳۸۳). *ابعاد رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۴، شماره ۲، ص: ۴۱-۶۳.*
- خدایاری فرد، محمد، غباری، باقر و عابدینی، یاسمین (۱۳۸۷). *آماده سازی مقیاس سنجش دین‌داری برای جمعیت دانشجویی، نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۸، شماره ۳، ص: ۲۳-۴۶.*
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). *معاد شناسی در پرتوی کتاب، سنت و عقل، ترجمه علی شیروانی، تهران، الزهراء (س).*
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۵). *دیدگاه‌های روان‌شناختی آیت‌الله مصباح یزدی، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).*
- فراهانی، حجت‌الله و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۷). *پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری. ویرایش اول، چاپ دوم، تهران، روان.*
- قربانی، نیما (۱۳۸۳). *معنویت به روی آوردهای تجربه‌ای، گوهرشناختی و مدرن به دین یا یک سازه روان‌شناختی، مقالات و بررسی‌ها. دفتر ۷۶ (۲) فلسفه. صص ۶۹-۹۸.*

گراوند، فریبرز، شکری، امید،، خدایی، علی،، امرایی، مردان و طولابی، سعید (۱۳۹۰).
هنجاریابی، روایی و پایایی نسخه کوتاه مقیاس ترس از ارزیابی منفی در نوجوانان ۱۸-۱۲
ساله شهر تهران. *مجله مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء (س)*، دوره ۷، شماره ۱، ۹۶-
۶۵.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، پیک فرهنگ.
یاسمی نژاد، پرینسا، گل محمدیان، محسن و فعلی بهنام (۱۳۹۰). بررسی رابطه جهت‌گیری
مذهبی و سرسختی روانشناختی در دانشجویان، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت*
اسلامی، سال ۱۹، شماره ۱۲، ص: ۱۱۹-۱۲۷.

Alexander, M., Francisco, L. & Harold G. (2006). *health: A review saopaul*, J
store, Koenig, Religiousness and mental.

Bergin, A. (1995). The clinical application of biopsychosocial model, *Am. J.*
Psychiatry, 137: 5.

Chongo, H. (2004). Religious orientation in moral developmental, *Journal of*
psychology and Christianity, 23 (1): 23-30.

Chriseopher, A (2006). *The Religious function of the psyche*, New York
: Routledge.

Ghorbani, N ., Watson, P.J ., Gharamaleki, A.F ., Morris, R.J and Hood, R.W
(2000). Muslim attitudes towards religion scale: factors, validity and complexity
of relationships with mental health in Iran. *Mental health, religious and culture*,
3 (2): 51-63.

Graham, C. (2004). Religion and Bereavement: A conceptual framework, *journal*
of the scientific study of religion, 24, (5): 427-439.

Gubrim, R. (1973). Mental Manse and Deviant Beauvoir. *Journal of the*
Sociological Quarterly, Vol.6, No.4.

Hart M. & Nelson, D. (2009). Life without Afterlife: toward congruency of Belief
across a gene rations: *Journal for the scientific study of Religion*, Vol.20, No.2
PP. 273-285; <http://www.Jstor.org/stable/1385609>.

Martin, B & Wrightsman, N. (2005). Acculturative stress of missionaries: Does
religious orientation affect religious coping and adjustment? *International*
Journal of Intercultural Relations, 14, 197-204.

- MC Intosh, D.N., Silver, R.C. & Worthman, C.B. (2003).** Religious role in adjustment to a negative life event: coping with lost of child, *Journal of the scientific study of religious*, 3, 30-49.
- Osarchuk, A, & Tatz, R. (2001).** Religiosity, Stress and Psychological Disstress, *Journal of Personality and Individual Differences*, 34, 211-217.
- Spilca, S. & James, R. (2003).** The relationships between religious and mental health, *Journal of Social Issues*, 51(2):33-48.
- Spilca, S. (1985).** Values and religious issues in psychotherapy and mental health. *American psychologist*, 46 (4): 349-362.
- Ventis W. (1995).** The relationships between religious and mental health, *Journal of Social Issues*, 51(2):33-48.
- Villiamgreen, D. (2009).** Religion and mental health: A hermeneutic Reconsideration; *Review of Religious research*, Vol.35, No.4, PP. 335-349; <http://jetor.org/stable/3511734> .

